

پولس اولین نامه قرتیانه کلیسا را

زاییم، چما خداوند عیسی مسیحیم، رفاقت
 یِکرا.

جدای کلیسا دل

۱۰ ای برارون چما خداوند عیسی مسیح
 نومیم شما کود خواهش کرم که هندیگرمیم
 ای رای بیا، تا شما میون د دسته ای دِمِگنه و
 بلکم فکر و رای د هندیگرمیم ايو بيا. ۱۱ چون
 ای چمن برارون، خلوئه کییه آدمه چمناشون
 خَوَر آیرده که شما میون دعوا مَرافَه عه.
 ۱۲ منظور آم که ای نفر از شما وا «از پولسه
 پیرویم»؛ آ ايو وا «از آپولس پیرویم»؛ ای نفر
 وا «از کیفا پیرویم»؛ آ ايو وا، که «از مسیح
 پیرویم».

۱۳ مگم مسیح تقسیم بی؟ مگم پولس به
 که شما خونین صلیب سر بردشونه؟ و مگم
 پولس نومیم غسل تعمیدرون گته؟ ۱۴ خدا
 شکر گرم که جز گریسپوس و گایوسه، شما
 هیچ کومینم غسل تعمید ندایه، ۱۵ تا کسی
 متونه بواعه چمن نومیم غسل تعمید رون
 گته. ۱۶ البته استِغاناسه خونوادم نی غسل
 تعمیدم آداعه؛ اما ویرم نا علایده کسیم غسل
 تعمید آدایم بی. ۱۷ چون مسیح آمِنش نِخرسا
 تا تعمید بدیم، بلکم آمِنش خرساعه تا انجیل

۱ پولس طرف، که خدا خواسته بین دعوت
 ببه تا عیسی مسیح رسول بیی، و چما برا
 سوسِتِیس طرف،

۲ خدا کلیسا را که فُرِنُتس شهر، که عیسی
 مسیح د تقدیس بپینده و دعوت بپینده تا
 همدیگرمیم مقدس ببینده، همه ی کسانیییم
 که هر علایده بقاعه د چما خداوند عیسی
 مسیح نومه وُنگ کرده، که چما خداوند و
 چون خداوند اِسِه؛
 ۳ فیض و سلامتی خداوند طرف، چما په و
 عیسی مسیح خداونده طرف شما را بیی.

شکرکردن

۴ از همیشه چمن خدا شما خونین و آ
 فیضی خونین که عیسی مسیح واسطییم
 شما هونشون بَخِشِیه، شکر گرم. ۵ چون شما
 هر نظر مسیح د هر جور کلام و دانای د
 مَشت بپیا، ۱ همنه که چما شهادت درباژه
 مسیح شما میون ثابت ببه. ۷ همنه که چما
 خداوند عیسی مسیح آگردسنة را منتظرِیا،
 هیچ هدیه اییه د بی نصیب نیا. ۸ آو تا آخر
 شما هون پابرجا نیا داره، تا چما خداوند عیسی
 مسیح ظهور کردنه روز بی تقصیر ببا. ۹ وفادار
 اِسِه خدای که شماش دعوت کرده تا چو

شرمنده بکره؛^{۲۸} خدا آچی ای که آم دنیا پست و هیچ زونه، حتی آ چپونی که وجود ندارنده، انتخابش بکه تا هر چه که وجود داره هیچ بکره،^{۲۹} تا هیچ انسانی خدا پیش افتخار مکره.^{۳۰} و چو خونین اسه که شما عیسی مسیح پرویا، که خدا ظرف چما را حکمت به، یی صالحی، قدوسیت و آزادی.^{۳۱} ارمیای پیغمبره کتاب د همنه نوشتشونه: «هر که افتخار گره، خداونده را افتخار بگره.»

بولس مسیحه مصلوب بینه اعلام کره

۲ ای برارون، آر نی وختی که بومیم شما ور، نومیم که خدا سر پله پله لاوعونیم یا حکمتیم شما را اعلام بکره.^۲ چون چمن تصمیم گته به شما میون چیزی مزونم جز عیسی مسیح، آونی عیسی ای که مصلوب به.^۳ از، ضعف و پر ترس و لرز یم شما ور بومیم.^۴ و چمن پیغام و تعلیم حکیمونه لاوعونیم که قانع کرده نبه، بلکم خدا روح و خدا قدرتیم بواتم،^۵ تا شما ایمان انسانی حکمتیم مبی، بلکم خدا قدرت یم بیی.

خدا روح حکمت

۶ اما آم حالیم، اما پله آدمون میون حکمت د لاوه کروم، اما نه حکمتی که آم دنیا یا آم دوره زمونه حاکمون را بیی که به نابودی محکومنده،^۷ بلکم اما درباره خدا حکمته که ای سری اسه لاوه کروم. خلقتی که خدا آوش پیش از دنیا خلق کردن، چما شکوه و جلاله را معین کردشه.^۸ اما هیچ کومین از آم دنیا حاکمه آم حکمتشون درک نکه، چون اگم آوشون درک کرده به، خداوند شکوه جلالشون مصلوب نکردی.^۹ همنه که اشعیای پیغمبره کتاب د نوشتشونه:

اعلام بکره، اما نه دنیا حکیمانه لاوعونیم، مکره مسیح صلیبه قدرت بی اثر بیی.

مسیح حکمت و خدا قدرت

۱۸ چون صلیبه پیغام کسانی را که هلاک بینده جاهلیه، اما چما را که نجات پیدا کروم، خدا قدرت اسه.^{۱۹} چون اشعیای پیغمبره کتاب د نوشتشونه:

«حکیمون حکمته از بین برم

و عاقلون فهم نی باطل کریم.»

۲۰ راس راسین، حکیم کار؟ توراته معلم کاریه؟ آم دنیا فیلسوف کاریه؟ مگم خدا دنیاییه حکمتش جاهلیش نکرده؟^{۲۱} چون هیر که بنابر خدا حکمت، دنیا بتونسشه حکمت واسطه یم خدا آزونه، خدا همیش صلاح بویت که هم نادانی راه د، کسانی که ایمان آیرنده، نجات بدیه.^{۲۲} چون یهودیه علامت و معجزه گوند و یونانیه حکمت پش اسنده،^{۲۳} ولی اما مصلوب بیته مسیحه اعلام کروم که یهودیون را سگ شارینه که باعث بی ایگینده و غیریهودیون را جاهلی،^{۲۴} اما دعوت بیه عون را، چه یهودی و چه یونانی، مسیح، خدا قدرت و خدا حکمت اسه.^{۲۵} چون آچی که درباره خدا نادانی بزونسه، انسانه حکمت د حکیمانه تر و آچی که درباره خدا ضعف بزونسه، انسانه قدرت د قدرتمندتره.

۲۶ ای برارون، شما اشن وضع و اوضاع ویر بایرا، وختی که خدا شماهوش ونگ بکه. ویشتر شما بشریه معیارونیم، حکیم حساب نبیا؛ و ویشتر شما قدرتمندان یا نجیبزاده عون نبیا.^{۲۷} اما خدا آ چپانی که دنیا آجون جاهلی زونه، انتخابش بکه تا حکیمه آدمه خجالت بگشند؛ و آ چپانی که دنیا آجو ضعیف زونه، انتخابش بکه تا قدرتمندون

د، کورپه خوردگنده. ^۲ از شَمَامِ شَت آدا نه گوشت، چون چو را آماده نَبیا و حلا نی آماده نیا، ^۳ چون که حلا جسمانیه چيون پَش اسیا. وختی شَمَا میون پخیلی و دعوا مرافعه اِسه، هَم نشوئه آم نییه که شَمَا جسمانیه چيون پَش اسیا و معمولیه آدمون شارین رفتار کرا؟ ^۴ چون وختی کسی وا: «از پوُلُس د پیروی کرم» و آ ایو وا: «از آپوُلُس د پیروی کرم» مگم علایده آدمون شارین نیا؟

^۵ مگم آپوُلُس کیه؟ پوُلُس کیه؟ اُون فقط خادمونینده که خدا اجون هر کومینشون ای وظیفه‌ایش آدایه تا شَمَا چون واسططیم ایمان بایرا. ^۶ از دایم کاشته و آپوُلُس اوش آو آدا، اما خدا به که آدانش سوز آکه. ^۷ پس نه کسی که کاره ای چی اِسه و نه کسی که آو دی، بلکم فقط خدا کار اِسه که آجو سوز کره. ^۸ آوی که کاره و آوی که آو دی، هر د نفر ایونده و هر کومین آ زحمتی اندازه که گَشنده، اشتن میزد ایگیرنده. ^۹ اما فقط خدا همکار اسییوم، و شَمَا خدا مزرعه و عمارت اسیا.

^{۱۰} آ فیضی یم که خدا آمَنش بَخَشسه، و ای ماهر معماری شارین چو پیم بکنت و آ ایو آ پیه سر، ساختمون رچ کره. اما هر کس گون ویراجون بیی که چه طره رچ کره. ^{۱۱} چون هیچکس نِتونه جز آ پی که ناپشونه علایده پی ای بنییه، و آ پی هه عیسی مسیح اِسه. ^{۱۲} اگم کسی آم پیه سر ساختمونی طلا یا نقره یا گرون سگون د یا چو یا واش یا سِنَر د رچ آکره، ^{۱۳} هر کس هر کاری بکره آشکار پی، چون که آ «روز» هَمه چی برملا کره. چون آتش، کاره نتیجه معلوم کره، و هر جور کاری که آدمه بکرنده امتحان کره. ^{۱۴} اگم آ کاری که آ پیه سر رچ آبییه باقی بُمونه، آ آدم اشتن میزد ایگیره. ^{۱۵} اما اگم ای نفر کار وَش بگیریه، ضرر وینه؛ و

«آ چی ای که هیچ چَشْمی اوش نیوینته، هیچ گوشی اوش نَشْتوسه، و هیچ انسانیه فکری نَرِسسه، خدا کسانِی را آمادش کرده که چونیم خُشه.»

^{۱۰} چون خدا اوش اِشتن روح واسطه یم چما راش آشکار کرده، چون که روخ، همه چی، حتی خدا عمقه نی گرده. ^{۱۱} چون کیه اسه که آدمه فکر د خَوَر دار بیی، جز اِشتن روحه که چو وجود د اِسه؟ چمه خونین، فقط خدا روح اسه که خدا فکرون د خَوَر داره. ^{۱۲} ولی آما نه آم دِنیا روح، بلکم ای روحیمون به دست آیرده که خدا د اِسه تا چیونی که خدا آجماش هدیه آدایه، بزَنوم. ^{۱۳} و چمه د لاوه گروم، نه کلماتی یم که بشریه حکمت یاد دی، بلکم کلماتی یم که روح یاد دی؛ و همنه روحانیه حقیقته کسونی خونین که خدا روح اِشتنیم دارنده وایوم. ^{۱۴} آدمی که هوا هوس پَش بیی کارونی که مربوط به خدا روح بیی قبول نکره چون چو نظر د نادونیه، و نِتونه آجون بفهمه، چون که فقط خدا روحیم بی دربارزه چون دِرست بینه زونسن. ^{۱۵} آوی که خدا روحیم اسه دربارزه همه چی داوری کره، ولی هیچکس نِتونه دربارزه چو داوری بگره.

^{۱۶} «چون کیه که خداونده فکر د

خَوَر دار بیی

تا بتونه آجو تعلیم بدییه؟»

ولی آما مسیحه فکره داروم.

جدا ی کلیسا دل

۳ اما ای براعه، مَن نتونس شَماییم کسونی شارین لاوه بکرم که خدا روح چون دل اسه بلکم کسونی شارین شَماییم لاوه کرم که جسمانینده، بیی کسونی شارین که مسیح

د آشکار گره و دلون نیت برملا کره. اُخری هر کسی تشویق و ستایش خدا را بی.

^۶ ای براعه، از آم مثالم شَما خونین چمن و آپولُس دربارِه پَزمه تا شَما آم لاونون معنیه چما کوَد یاد بیگیرا که: «آچیون د که نویشتشونه، پیش تر مَشا.» تا شَما هیچ کومین آ ایو وَر افتخار مکره. ^۷ چون که آتیش متفاوت کرده؟ چه داری که آتِشون نَبخشه؟ و اگم آتِشون بَخشسه، پس چرا همنه افتخار کری که انگار همنه نییه؟

^۸ انگار شَما همنه به هر چی رون که گوسَی، آرسسَیو! انگار همنه ثروتمند بیتا! و پاتشاهی کرا. آو نی بیدون آما! و کاشکی راس راسین پاتشاهیرون کردی تا آما نی شَماییم پاتشاهیمون کردی! ^۹ چون از همنه فکر گرم که خدا آجما که رسولیوم، اسپرونی شارین که محکوم به مرگنده، رَزه شیپارون صفه آخر نمایش را نایشه. هَمّه دِنیا تماشاگریوم، چه آدمون و چه فرشته عون را. ^{۱۰} آما مسیحه خونین جاهلییوم، اما شَما مسیح د حکیمییا! آما ضعیفیوم، اما شَما قوییا! آما خوار و حقیریوم، اما شَما محترمییا! ^{۱۱} آما تا همنه و شیر و تشریوم، و چما خلاو کوبینه عه. چوعمان خورده و سرگردونیوم. ^{۱۲} اما اِشتن دسترنجیم چما زندگی گذرونوم. وختی آجما لعنت بکرنده، چون را خیر دِعا کروم؛ و وختی آزار و اذیت بام، تحمل کروم؛ ^{۱۳} وختی دِشمون آشنوم، محبتییم جواو دیام. همنه، آما دِنیا تقالّه و همه چیه آشغال بیتیوم.

^{۱۴} اِچم نینیویسم تا شَماهون شرمنده بکرم، بلکم نیویسم تا شَماهون چمن عزیزه خوردگون شارین نصیحت بکرم. ^{۱۵} حتی اگم مسیح د هزارون معلّم بدارا، اما پر په ندارا، چرا که از انجیل واسطه ییم عیسی مسیح د شَما په بیتیم.

هر چند اِشتن نجات پیدا کره، اما کسی شارین بی که آتِشه آلون دل د جان سالم به در آیرده. ^{۱۶} مگم نزونو که شَما خدا معبدیا و خدا روح شَما دل ساکن اِسه؟ ^{۱۷} اگم کسی خدا معبدِه خراو بکره، خدا نی آجو هلاک کره؛ چون خدا معبد مقدّسه و شَما آ معبد اِسییا. ^{۱۸} اِشتن وازی مَدیّا. اگم کسی از شَما خیال بکره اِشتن آم دوره زموئن د حکیم آدم اِسه، بارز نادون بیبی تا شاید حکیم بیبی. ^{۱۹} چون آم دِنیا حکمت خدا نظر د جاهلیه. همنه که ایوب پیغمبره کتاب د نویشتشونه: «حکیمه آدمون اِشتن قَنبیم گرفتار کره.» ^{۲۰} و هنی داووده زیور نویشتشونه: «خداوند حکیمه آدمون فکر کردن د خور داره و زونه که آ فکر پوچنده.» ^{۲۱} پس د کسی آدمون افتخار مکره. چون همه چی شَما را اِسه، ^{۲۲} چه پولُس، چه آپولُس، چه پطرس، چه دِنیا، چه زندگی، چه مرگ، چه آم زمون و چه اُخرین زمون، همه و همه شَما را اِسه ^{۲۳} و شَما مسیح را اِسییا و مسیح خدا را.

رسولون خدمت

۴ پس هَمّه گون آجما، مسیح خادمون و مباشرون دیدیم بوبنده که خدا رازون، اجونشون امانت اوس برده. ^۲ و غیر از آمه انتظاری که مباشر د شی آمه که وفادار بیبی. ^۳ اما چمنّا د شَما قضاوت یا علایده انسانیه محکمه قضاوت پر مهم نی. از حتی اِشتن نی دربارّه چمن قضاوت نکرم. ^۴ چون که خور ندارم ای چی چمن ضد بیبی، ولی آم اِمین تبرّعه نکره. بلکم خداوند که اِمین قضاوت کره. ^۵ پس دربارّه هیچی، پیش تر از چو وقت قضاوت مَکرا، تا آم که خداوند با. آ خداوندی که آچی که همنه تایریکیه د مخفیّه، روشناییه

تا تازه خمیر ببا، همنه که راس راسینه نی بیدون خمیر مایه اسیدا. چون مسیح، چما پسخه وَره، قریونی بیاسه. ^۸ پس بایا عیده را، نه کوینه خمیر مایه بیم، ینی بدخواهی و شرارت خمیره مایه، بلکم بی خمیره مایه نونیم ینی صداقت و راستی بیم برگزار بکروم.

^۹ چمن قبلیه نامه دل، شما رام بینوشت که بی عفتون بیم رفت و آمد مَکرا. ^{۱۰} اما چمن منظور اصلا آم نیه که آم دنیا بی عفتونیم یا طمع کارونیم یا کلاهدارونیم یا بت پرستان بیم رفت و آمد مَکرا، چون همنه گون دنیا بیم قطع رابطه بکرا. ^{۱۱} اما همنه شما را نیویسم که کسییم که اِشتن برا زونه، اما بی عفت، یا طمعکار یا بت پرست یا دشمن دبیبه یا عرق آخر و یا شِیاد اِسه رفت و آمد مَکرا و همنه کسی بیم حتی همسفره مِبا.

^{۱۲} چون آمِن چه مربوطه که دربارَه بره مردمه داوری بکرم. ولی مگم داوری کردن دربارَه کسانی که کلیسا د اِسنده، شما عهده د نیه؟ ^{۱۳} خدا اِشتن دربارَه مردمی که کلیسا بیرون د اِسنده داوری گره. پس «آ بدکاره شما میون آبر بکرا.»

دعا مرافعه ایمان دارون دل

۷ هر وقت ای نفر شما میون آ ایو را شکایتی بداره، چه طره جرئت کره آجو نه مقدسون ور، بلکم گناهکارون محکمه بیره؟ ^۲ مگم نِزونا که مقدسه دنیا داوری کرده؟ پس شما که قراره دنیا داوری بکرا، چه طره نتونا ولگ جریانون داوری بکرا؟ ^۳ مگم نِزونا که اما فرشته عون داوری کروم؟ چه بَرسه دربارَه آم زندگی مسائله داوری کردن. ^۴ پس چرا وختی همنه اختلافه شما میون اتفاق دگنه،

^{۱۶} پس شما کود خواهش کرم که چمن یاد بیگیرا. ^{۱۷} چمه خونین تیموتاؤسم بخرسا شما ور، آو که چمن عزیز گرامیه خُردگ و خداوند وفادار اِسه. آو چمن زندگی روشه عیسی مسیح د شما ویر آیره، همنه که از اجون همهی کلیساهون و همه یقا تعلیم دیم.

^{۱۸} بعضیه آم فکرییم که د از شما ور نام، مغرور ببنده. ^{۱۹} اما خدا خواسته بیم آم زودیون شما ور آم و نه فقط آم مغرورون لاولعه عه، بلکم چون قدرته نی وینم. ^{۲۰} چون خدا پائشاهی فقط لاوله د نیه، بلکم قدرت د اِسه. ^{۲۱} کومینیم خُشا و کومین گوا؟ چوئیم بام شما ور یا محبتیم و ملایقه روحه بیم؟

بی عفتی کلیسا نجس کره

۵ خور آرسسه که شما میون بی عفتی اِسه، آو نی جوری که حتی بت پرستون ور نی قبول نیه. اِشتوسمه ای مردکی اِشتن زن په عییم رابطه داره. ^۲ و شما افتخار کرا! مگم نه که شما گون ماتم بیگیرا و اوی که همنیش کرده شما میون آبر بکرا؟ ^۳ چون هر چند از جسمییم شما خمنایم، اما روحییم شما خمنام؛ و همنه، کسی شارین که شما میون حاضر اِسه، دربارَه کسی که همنه کاریش کرده چما خداوند عیسی مسیح نومییم چمن حکم صادر کرده. ^۴ وختی هندیگرییم ای یقا جمع آبا روح د شما ور اِسم، و چما خداوند عیسی حضوره قدرتییم، ^۵ آم مردکه ادیا شیطان دس تا گناهکار جسمه نابود بینیم، روح عیسی خداوند روز د نجات پیدا بکره.

^۶ شما افتخار کردن اصلا درست نیه. مگم نِزونا که کمکی خمیره مایه تونه همهی خمیره ور بایره؟ ^۷ پس اِشتن کوینه خمیره د، تمیز بکرا

که ای فاحشه‌ای یم بوخوسه، چوعییم ایو بی؟ چون نویشتشونه: «آ د نفر ایو ببنده.»^{۱۷} اما آوی که خداوندیم ایو بی، چو آم ای روح‌سه.

^{۱۸} بی‌عفتیه دِ دِوزا! انسان هر علایده گناهی که بکره بیرون از چو بدنه، اما آوی که بی‌عفتی بکره، اِشتن بدنیم گناه کره.^{۱۹} مگم نِزونا که شَما بدن خدا مقدسه روح معبده که شَما وجود دَاسه و آورون خدا کوْدِ ایگته، و دِ شَما اِشتِرا نیبا؟^{۲۰} شَما خرینه را بهاشون آدایه، پس شَما اِشتن بدن دِ خداوندِ جلال پدیا.

زناشویی درباره

V و اما درباره جریانونی که چمنا نویشته رون به:

«مردکه را آو چاک نیبه که زَنکیم بیی.»^۱ اما بی‌عفتی هون خونین که اسه هر مردکی گون اِشتن زَنگی بداره، و هر زَنگی گون اِشتن شو بداریه.^۲ مردک گون اِشتن وظیفه که اِشتن زَنگِ حق داره انجام بدیته و زَنک نی گون اِشتن وظیفه که اِشتن شو حق داریه انجام بدیته.^۳ زَنک اِشتن بدنه اختیار نداریه بلکم چو شو چو اختیار داریه، و مردک نی اِشتن بدنه اختیار نداریه بلکم چو زَنگ که چو اختیار داریه.^۴ پس هندیگره محروم مَکرا، مگم آم که هندیگره رضایتییم و ای مدتی راه تا شَما وقت دِعا کردنِ را پَنیا. اُخری هنی هندیگرییم ایو ببا، مبادا شیطان چون نتونا اِشتن پیش بیگیرا شَماهون وسوسه بکریه.^۵ از آم حکم نکرم، بلکم فقط جایز زونم.^۶ آرزوم کردی که همه چمن شارین ببنده، اما هر کس

کسانیرون داوری را آیرا که کلیسا دِ کسی به حساب ناینِد؟^۷ آچم وام تا شَماهون شرمنده بکرم. شَما میون کسی نیبه که حکیم بیی و بتونه برارون اختلاف حل و فصل بکره؟^۸ در عوض، برا اِشتن برا ضد شی محکمه، آوی بی‌ایمانون ورا!

^۹ اصلاً همنه دعواعه شَما میون، اِشتن شَما را ای سرشکستگی اسه. چرا ترجیح ندیا مظلوم ببا؟ چرا حاضر نیبا ضرر بکرا؟^{۱۰} اِشتن ظلم کرا و علایده کسی ضرر زنا، آوی اِشتن براعه.

^{۱۱} مگم نِزونا که ظالَمه آدمه خدا پاتشاهی وارث نیببنده؟ وازی مَخر! بی‌عفته، بت‌پرسته، زناکاره، لواط گره^{۱۲} دِزده، طمع کاره، عرق آخره، ناسزاواچونگ و کلاه‌برداره، خدا پاتشاهیه وارث نیببنده.^{۱۳} بعضی از شَما پیش تر همنه بیا، اما عیسی مسیح خداوند نوَم دِ و چما خدا روحیم شماشون پِشو، تقدیس بَیا و صالح حساب بومیا.

بی‌عفتی دِ دِوزا

^{۱۴} «هَمه چی چمنا جایز اسه»، اما همه چی مُفِت نیبه. «هَمه چی چمنا روا اسه»، اما نازرم ای چی چمن سر مسلط بیی.^{۱۵} «خوردنیه چکچیه تَرنه را اِسته و تَرنه خوردنه چکچیه راه و خدا، هم آچم و هم آجو نابود کره.» اما بدن بی‌عفتی را نیبه، بلکم خداونده را اِسته و خداوند نی بدنه راه،^{۱۶} و خدا اِشتن قوته یم، خداوندش مردعون دل زندهش آکه و آجماش نی زنده کره.^{۱۷} مگم نِزونا که شَما بدنه مسیح اعضا اِسنده؟ مسیح اعضا اوگورم و آجون فاحشه اعضا کرم؟ هرگز! ^{۱۸} مگم نِزونا کسی

آیه ۴ را انجوره نی تانام بخواند: «پس به زمان بروز ان جوهره اختلافها میان اِشتن، حتی کسانی را در کلیسا که کسی به حساب نمی‌آیند، به دادرسی بگمارید!»

وقت د ختنه بییه تی، هه حالت وندره؛ و اگم کسی انتخاب بیینه وقت د ختنه نیبیه تی، ختنه مبی. ^{۱۹} چون ختنه بین یا نیبیین مهم نییه، بلکم مهم آمه خدا حکمه انجام بدیام. ^{۲۰} هر که هر وضعیتی د که انتخاب بییاسه باقی بمونه. ^{۲۱} مگم زمونی که انتخاب بییش، نوکر بیش؟ مئرس. اما اگم تونی رشته آزادی به دس بایی، فرصته از دس مده. ^{۲۲} چون آکسی که نوکر بیینه موقع خداوند طرف انتخاب بیاسه، خداوند آجو آزاد کره؛ و آکسی که آزادی د انتخاب بی، مسیحه نوکره. ^{۲۳} گروه بهایییم شماشون خریه، پس آدمون نوکر مبا. ^{۲۴} پس، ای براران، هر که هر وضعیه د که انتخاب بیاسه، هه وضع د خدا حضور د باقی بمونه.

اذبون و بیوه زنکون

^{۲۵} و اما درباره آذبون، خداوند د حکمی ندارم؛ ولی کسی مقام مرتبه د که خداونده رحمته خونین اعتماده لایق إسه، چمن نظر وام. ^{۲۶} از همنه فکر گرم که آم زمانه سختییان خونین، انسانه را چاک بیی هه وضعیتی د که إسه، وندره. ^{۲۷} اگم زنگ برده، چو کود جدا مبه و اگم زنگ یداری، زن برده پش مبه. ^{۲۸} اما اگم زنگ بری، گناهر نکرده؛ و اگم کیکی شو بگریته، گناهاش نکرده. اما آونی که عروسی گرنده، آم زندگیه د سختی گشده و از نگوم شما رنج بکشا.

^{۲۹} برارون، منظور آمه که وقت کمه. چمه پش، حتی کسانی که زنگ دارنده همنه رفتار بکرده که انگار زنگ ندارنده؛ ^{۳۰} و کسانی که عزادارنده، همنه بیبینه که همنه عزادار نینده؛ و کسانی که شادنده، همنه بیبینه که انگار شاد نینده؛ و کسانی که ای چی خربیشونه،

اشتن هدیه خداکود ایگتشه؛ ای نفر ای هدیه ای داره و آایو علایده هدیه ای داریه.

^۸ بیوه مردکون و بیوه زنکون وام که چاکه چمن شارین آذب بمونند. ^۹ اما اگم نتوننده اشتن پیش بیگیرنده، گون عروسی بکرده، چون عروسی کردن چاک تره تا آم که هوسه آتسه دله بسوجی.

^{۱۰} چمن حکم کسونی را که عروسیشون کرده آمه - نه چمن حکم، بلکم خداوند حکم- که زنگ گون اشتن شو د جدا مبه. ^{۱۱} اما اگم همنش بکه، د گون شو مگریه و یا گون اشتن شوییم آشتی بگریه. مردک نی گون اشتن زنگ طلاق مدیته.

^{۱۲} علایده نفرون وام - از وام نه خداوند - که اگم پراپی بیایمانه زنگی داریه و آ زنگ حاضر بیبیه چوام زندگی بگریه، آ برا گون اشتن زنگ طلاق مدیته. ^{۱۳} هم نی اگم زنگی ای بیایمانه شوی داریه و آ مردک حاضر اسه چوام زندگی بگریه، آ زنگ گون اشتن شو د جدا مبه. ^{۱۴} چون بیایمان شو اشتن زنگ خونین تقدیس بی و بیایمان زنگ اشتن شو خونین. اگم همنه نی، شما خوردگ ناپاک بینده؛ اما همنه نییه، بلکم آون مقدسده. ^{۱۵} اما اگم آو که بیایمانه بگو جدا آبی، بارز همنه بکرده. همنه وضعیتی د مومنه شو یا مؤمنه زنگ د مجبور نییه چوام زندگی بکره. ولی خدا آجماش صلح و آشتی را دعوتش کرده. ^{۱۶} چون ای زنگ، از کا زونی که نتونی رشته شو نجات بدی؟ و ای مردک، از کا زونی که رشته زنگ نتونی نجات بدی؟

^{۱۷} آها، هر که جوری زندگی بکره خداوند چو را در نظر گتسه و خدا آوش چو را انتخاب کرده. آم حکمی إسه که از همه ی کلیساهون د چو را حکم گرم. ^{۱۸} اگم کسی انتخاب بیینه

د. ۴۰ ولی چمن نظر اگم عروسی مَکریه، خوشبخت تر بیه؛ و فکر گرم که آر نی خدا روحه دارم!

قربونیه غذا بتون را

ا و اُما دربارَه بُتون قربانی سور آداین: زونوم **ا** که «اُما همه دانا آدم اسیوم». اُما دانش غروره باعث اِسه، که محبت، بنا کره. ۲ آوی که فکر گرِه چیزی زونه، حلا همنه که گون بزونه، نزنه. ۳ اُما آوی که خداییم خُشه خدا آجو آزونه.

۴ پس دربارَه خوردنیه چکچی ای که بتون پیش کش بینده، زونوم که آم دِنیا د «بُت چیزی نییه»، و «جز ای خدا، دِ علایده خدای نییه». ۵ چون اِسنده کسونی چه زمین د و چه آسمون د آجون خدایان واینده، همنه که واقعا مردمان را نی پر «خدایان» و پر «خداندان» اِسه - ۶ اُما چما را فقط ای خدا اِسه، ینی آسمانیه په، که همه چی چو د اِسه و اُما چو را اسیوم؛ و فقط ای خداوند اِسه، ینی عیسی مسیح، که همه چی چو واسطیم خلق آبیاسه و اُما چو واسطه بیم اسیوم.

۷ اُما همه آم دانش ندارنده. چون بعضیه تا الان همنه بتان بیم خوگرم بینده که حالا نی اگم همنه خوراکِ یون بُخرند، فکر کرده آ خوراکیه واقعا بتان تقدیم بینده؛ و چون چون وجدان ضعیف اِسه، نجس بی. ۸ «خوردنیه چک چکی، آجما خداییم نزدیک نکره»؛ نه نُخردنییم بدتر بام، نه خوردنییم چاکتر. ۹ اُما ویراجون ببا شَما اختیار ضعیفون لغزشه باعث مَبی. ۱۰ چون اگم کسی که ضعیفه وجدانی داره، آته که چمه دربارَه زونی، بوینه که بت خانه ای د غذا خوری، مگم آو نی وسوسه نیی آ خوراکِ ای که بتون پیش کش

همنه ببینده که انگار چو صاحب نینده؛ ۳۱ و کسانی که آم دِنیا د بهره برنده، جوری مَبی که دِنیا د غرق ببینده. چون آم دِنیا شکل و شمایل از بین شی و عوض آبی.

۳۲ چمن خواسته اُمه که هر نگرانی د دور ببا. اَدَب مردک خداوند کارون را نگرانه، چمه خونین نگرانه که چه طره خداونده راضی بکره؛ ۳۳ در حالی که زنگ دازه مردک آم دِنیا کارون را نگرانه، چمه خونین نگرانه که چه طره اِشتن زنگ راضی بکره، ۳۴ و چو توجه ای چی سر نییه. هَم نی، اَدَب زَنک و یا کِلِگ، خداوند کارون را نگران اِسه، چمه خونین نگران که چه طره جسم و روح د، مقدس ببیه؛ در حالیکه که شو دازه زَنک آم دِنیا کارون را نگرانه، چمه خونین نگران که چه طره اِشتن شو شاد بگریته. ۳۵ از اِچم شَما منفعته را وام، نه چمه خونین که شَماهون قید و بند د بنیم. چمن منظور اُمه که دِرست زندگی بکرا و هیچ دغدغه‌ای شَما پیش مَگیره تا خداونده مطیع ببا.

۳۶ اگم مردکی فکر کره که اِشتن باکره پیوندیم دِرست رفتار نکره، و اگم کِلِگی شو کردن سن آرسه و آمردک همنه فکر کره که گون عروسی بکره، آ کاری که گوه انجام ببیدیه؛ آم کاریم گناش نکرده. پس بارزا عروسی بکرده. ۳۷ اُما اگم مردکی اِشتن تصمیم سر مونه و فشارِ بِن نییه، بلکم بتونه اِشتن اِشتن پیش بیگریه و اِشتن تصمیمش گته که اِشتن باکره پیوندیم عروسی مَکره، آ مردک نی چاکه کاری انجام دی. ۳۸ پس آو که اِشتن پیوندیم عروسی کره چاکه کاری انجام دیه؛ اُما آو که عروسی نکره، چاکتر کاری انجام دیته.

۳۹ زَنک تا وختی که چو شو زندعه، چو را اِسه. اُما اگم چو شو بمره، آزاده تا هر کسیم که گوه عروسی بکریه، البته فقط خداوند

درخواستیه که شما کود کمک مالی بگویم؟
 ۱۲ اگم علایده نفره حق دارنده که آجون حمایت مالی بکرا، اما ویشتر حق نداروم؟ اما
 اما آم حق د بهرمون نبه، بلکم هر کاریمون بکه تا مانعی مسیح انجیله راه سر منیوم. ۱۳ مگم
 زرونا کسانی که معبد د کار گرنده، چون خورد و خوراک معبد د تأمین بی، و قربانگاه خادمه
 خوراک آچپونیه د که قربانگاه تقدیم بی، سهم برنده؟ ۱۴ چمه خونین خداونده حکم کرده
 که کسونی انجیله اعلام کرده چون خرج و مخارج، انجیل یم تأمین بیی.

۱۵ اما از هیچ کومین از آم حق و حقوق د بهرم نبه و آمه نی نینیویسم تا چمن حق همنه بکرا. مرکه ترجیح دیم تا آم که کسی آم افتخاره چمن کود ایگیره. ۱۶ چون اگم بشارت بدیم چمن افتخاری نبیه، چون چمن وظیفه عه خدمت بکرم؛ بلکم وای بر من اگم بشارت مدیم! ۱۷ چون اگم اختیاریم آم کارم انجام دایه به، چمن پاداشم ایگتی؛ ولی اگم اختیاریم مبی، فقط انجام وظیفه گرم. ۱۸ پس چمن پاداش چیه؟ فقط آم که انجیله شاده خوره مفت بدیم و چمن حق و حقوق مگیرم.

۱۹ چون با آم که همن د آزادم، اشنتم همن نوکر کرده تا آدمون ویشتری شاده خور بدیم. ۲۰ یهودیان ور ای یهودی شارین رفتارم بکه، تا یهودیان مسیح را نیا بدارم. کسانی یم که شریعت د اسنده کسی شارینم رفتار بکه که شریعتی اسه تا کسانی که شریعتی اسنده مسیح را نیا بدارم - هر چند اشن اهل شریعته نیم. ۲۱ بی شریعتان ور بی شریعتان شارینم رفتار بکه تا بی شریعتان مسیح را نیا بدارم - هر چند اشن بیدون خدا شریعت نییم، بلکم مسیح شریعته مطیع اسم. ۲۲ ضعیفون یم، ضعیف یم تا ضعیفون مسیح را نیا بدارم. همه کسه را همه

بینده برخه؟ ۱۱ همنه، اشته زونسن آضعیفه برا نابودی باعث بی که مسیح چو خونین یمه. ۱۲ وختی همنه شما براران را گناه کرا و چون ضعیفه وجدانه آسیب زنا، پس مسیح را گناه کرا. ۱۳ چمه خونین، اگم چمن خوردن برا لغزشه باعث بیی، تا ابد گوشت نخرم تا چو لغزشه باعث مَبیم.

بولس، اشن حق د گذره

۹ مگم آزاد نییم؟ مگم رسول نییم؟ مگم چما خداوند عیسم نویت؟ مگم شما چمن کاره ثمره خداوند د نییا؟ ۲ حتی اگم علایده نفرون را رسول مَبیم، حداقل شما را اِسم؛ چون شما چمن رسالته مهر تأیید خداوند طرف اِسیا.

۳ از کسانی پیش که چمن درباره قضاوت کرده، همنه اشن د دفاع گرم. ۴ حق نداروم بخروم و آخروم؟ ۵ حق نداروم علایده رسولان و خداونده برارون و کیفا شارین، ایماندار زنکییم عروسی بکروم و چما خمن بداروم؟ ۶ یا فقط از و برنابا اسییوم که گون چما خرج و مخارج را کار بکروم؟

۷ کیه که اشن سربازی خرجه بدیه؟ کیه که ای انگوره باغی اجاره بکره و چوه میوه د مخره؟ کیه که رمه ای را چوپونی بکره و چوه شت د آخره؟ ۸ چمن آم لاهه فقط انسانیه لاونده؟ شریعت نی همنه نوا؟ ۹ چون موسی شریعت د نویسته شونه که «گاو که خرمن کوعه، چو گره دموند.» خدا گاون فکر اسه؟ ۱۰ مگم اجمه دریاژه چما نوا؟ ها، یقینا، آم کلامشون چما را نویسته، چون وختی کسی زمینه یت کره، و یا خرمن کوعه، گون امیدوار بیی که محصول د بهره ای بره. ۱۱ اگم اما روحانیه دانه شما میون کاشتمونه، پيله

همنه که بعضی از اُون بکردشونه و مار آجون بوکوست. ^{۱۰} و گلايه و شکایت مَکرا، که بعضی از اُون بکردشونه و هلاک کرار آجونش هلاک بکه.

^{۱۱} آم چیه نشانه ای شارین چون را اتفاق دگت و بنوشتشونه تا درس عبرتی چما را بیبی که آخر زمان زندگی کروم. ^{۱۲} پس آ کسی که خیال کره پابرجاعه، چو هواس جمع بیبی که ایمگنه! ^{۱۳} هیچ آزمایشی شما را نومییته که علایده آدمون را مَی. و خدا وفادار اِسِه؛ او نازره ویشتر از شما توان آزمایش ببا، بلکه آزمایش موقعی، ای راهی دوشتنه را نییه تا بتونا تحمل بکرا.

بتان مهمانی و خداونده سور

^{۱۴} پس ای عزیزان، بت پرستی دَ دیوزا. ^{۱۵} چمن لاهه کسونی را اسه که فهمنده؛ شما اِشتن درباره آ چپونی که وام قضاوت بکرا. ^{۱۶} مگم برکنه قداره که چو خونین شکر کروم، مسیحه خون دَ شریک بین نییه؟ و مگم آ نانی که پاره گروم، مسیحه بدن دَ شریک بین نییه؟ ^{۱۷} همنه که نان ایو اِسِه، آما نی که پریوم، ای بدن اِسیوم، چون همه ای نان دَ سهم بَروم. ^{۱۸} خدا قومه دِیسا: مگم اَونی که قربونیون دَ خورنده قربونگاه دَ شریک نیینده؟ ^{۱۹} چمن منظور آم لاوعون دَ چیه؟ آمه که خوراکِی که بت را تقدیم بی ارزش داره یا آم که بت ارزش داره؟ ^{۲۰} نه، چمن منظور آمه که بت پرستون قربونیون، دیوان را تقدیم بینده نه خدا را، و از نِگوم شما دیون بیم شریک ببا. ^{۲۱} نتونا هم خداونده قداره دَ آخرا هم دیون قداره دَ؛ نتونا هم خداونده سِفره دَ بخرا، هم دیون سِفره دَ. ^{۲۲} مگم گوم خداونده غیرتی بکروم؟ چو کوذ قویتریم؟

چی بَییم تا هر جوری بیی بعضی یان نجات بدیم. ^{۲۳} اَچِم هَمّه اِنجیل خونینم بکه، تا چو برکت دَ سهم بَیَرم.

^{۲۴} مگم نِزونا که مسابقه میدان دَ، همه دَونده، اما فقط ای نفر جایزه بره؟ پس شما همنه بَدوا که بَیَرا. ^{۲۵} هر که مسابقه دَ شرکت کره، هر چیه دَ، سخته انضباطی تحمل کره. اَوْن همنه کونده تا فانیه تاجی به دس بایرنده؛ اما آما همنه کروم تا تاجی به دس بایروم که از بین نیشتی. ^{۲۶} پس از همنه دَوم، نه کسی شارین که بی هدفه؛ و مشت زَنم، نه کسی شارین که هواغه بزنه؛ ^{۲۷} بلکه چمن جانه سختی دیم و چمن بندگی دَ آجو نیا دارم، مبادا بعد آم که علایده نفره تعلیم بدیم، اِشتن رد بیییم.

هشدار بت پرستی ضد

۱. چون ای برارون، نِگوم آم موضوع دَ بی خور ببا که چما اجداد همه آبِر پِن پنده و همه دریا دَ آوردنده. ^۲ اَوْن همه آبِر و دریا دَ موسی بیم غسل تعمیدشون بَگت، و آم کاربیم نشونشون بدا که موسی پیرو بینده، ^۳ و همه آروحانیه خوراکشون بُخه ^۴ و هه روحانیه آخردنیشون آخه؛ چون آ روحانیه صخره دَ آخردشونه که پِش دَ اوقی، و آ صخره مسیح به. ^۵ آم حالیم، خدا از ویشتر اَوْن راضی نیه، پس چون جنازه بیابانه آم سر تا آسر پخش آبه. ^۶ آم اتفاقه دکتنده تا چما را نشونه ای بیی، تا آما چون شارین بدی پِش مَبوم. ^۷ پس بت پرست مَبّا، همنه که بعضی از اَوْن پنده؛ همنه که نویشتشونه: «مردم عیش و نوش را بنشتنده و علواتی و عرق آخری را اوپاب بینده.» ^۸ و نه زنا بکروم، که بعضی از اَوْن بکردشونه و ای روز دَ بیست و سه هزار نفر هلاک آبنده. ^۹ و مسیحه آزمایش مکروم،

بتان قربانی خردن آزادی حدود

۲۳ «همه چی جایز اِسِه» - اما همه چی مُفیت نییه. «همه چی جایز اِسِه» - اما همه چی بنا نکره. ۲۴ هیچکس اِشتن نفعه پش مَبی، بلکم علایده نفرون منفعت پش بیی. ۲۵ هر گوشتی که قصابی دَ خروشنده، بُخرا بیدون آم که وجدانه در نظر بیگیرا، ۲۶ چون «جهان و هر چه که چو دل اِسِه خداوند را اِسِه». ۲۷ اگم ای بی ایمانه آدمی شَماهون غذا خُردنه را دعوت کره و شَما نی میلرونه بشا، هر چه شَما پیش نییه بُخرا بیدون آم که وجدانه دَ سوالی آپرسا، ۲۸ ولی اگم ای نفر شَما بوا: «آم گوشت بتان تقدیم بیاسه.» آ کسی خونین که آمش شَماش بوا و وجدانه خونین، آجو مَخرا - ۲۹ البته چمن منظور آ آدمه وجدان اِسِه نه شَما وجدان. چون چرا گون علایده آدمه وجدان چمن آزادی را حکم بکره؟ ۳۰ اگم خوراکِ شکرگزاری یم خُورم، چرا گون آچی ای که چو خونین خدام شکر کرده، آمِن محکوم بکرنده؟

۳۱ پس هر چه خورا، هر چه آخرا و یا هر کاری کرا، همه خدا جلال دایینه را انجام بدیا. ۳۲ هیچکسه ناراحت مکر، چه یهودیان، چه یونانیان و چه خدا کلیسا، ۳۳ همنه که از نی تقلا کرم تا همه، هر کاریم که کرم راضی بکرم. چون چمن نفعه پش نییم، بلکم پر کسون منفعت پش اِسَم، تا نجات پیدا بکرنده.

سره پوشونسن

۱۱ پس، چمن کود سر مشق بیگیرا، همنه که از مسیح دَ سرمشق گیرم. ۲ شَماهون تعریف گرم که همه چی دَ آمِن ویر

آیرا و رسم و رسوماته همنه که شَما اوس ببه، انجام دیبا.

۳ اما گوم شَما حواس جمع بیی که هر مردکی سر، مسیح اِسِه، زَنک سر، مردک اِسِه و مسیح سر، خدا اِسِه. ۴ هر مردکی که اِشتن سر بپوشونه و دعا یا نبوت بکره، اِشتن سرش بی حرمت کرده. ۵ و هر زَنکی که اِشتن سره مپوشونه و دعا یا نبوت بکریه، اِشتن سر بی حرمت کریه؛ چو آم کار دِریست چمه شارینه که اِشتن سرش تاشسشه. ۶ اگم زَنکی اِشتن سره نیپوشونه، پس گون اِشتن سره مو کوتاه بکریه؛ و اگم زَنکی را عاره که اِشتن سره مو کوتاه بکریه یا بتاشه، پس گون اِشتن سره مو بپوشونه. ۷ مردک گون اِشتن سره مو مپوشونه، چون آو خدا دیم و جلال اِسِه؛ اما زَنک، مردکه جلاله. ۸ چون مردک زَنک دَ بوجود نومیاسه، بلکم زَنک مردک دَ بوجود اومیاسه؛ ۹ و مردک زَنک را خَلق نییاسه، بلکم زَنک مردکه را خَلق بیاسه. ۱۰ چمه خونین، و فرشته عون خونین، زَنک گون نشانی قدرت و اختیار دَ اِشتن سر دَ بداریه. ۱۱ با آم وجود، خداوند دَ، نه زَنک مردک دَ جداعه، نه مردک زَنک دَ. ۱۲ همنه که زَنک مردک دَ بوجود بومه، مردک نی زَنک واسطیم دِیا آ، اما خدا همه چیش رچ کرده. ۱۳ اِشتن قضاوت یگراه: زَنک را چاکه که اِشتن سر مو مپوشونیه و خدا درگاه دعا بکریه؟ ۱۴ مگم طبیعت، اِشتن شَماهون یاد نیدی که مردکِرا عاره اگم پلنده مو بداره، ۱۵ اما اگم زَنکی پلنده مو بداریه، چو را افتخار؟ چون پلند موعه پوششه خونین زَنکشون آداعه. ۱۶ اما اگم کسی یگوه اِشتن سازی بزنه، گون بوام که نه چما را و نه خدا کلیساهون را همنه رسمی نییه.

خداونده سور

۱۷ اما دربارَه آم چیونی که هَننه شَما را حکم گِرم، به هیچ وجه شَماهُون تحسین نکرَم، چون وختی شَما جمع با، فایده نِداره که هیچ، ضرر نی داره. ۱۸ اوّل آم که آشنوم وختی که شَما کلیساعه د جمع آبییا، شَما میون د دسته ای دِگینه، و آچمه ایکه باور گِرم. ۱۹ شکی نییه که شَما میون گون د دسته ای بیبی تا همنه کسونی که شَما میون راس راسین ایمان دارنده شناخته ببینده. ۲۰ وقتی که شَما ای یقا جمع آبا، واقعا خداونده شوم خوردنه را نییه. ۲۱ چون غذا خوردنه موقع، هر کومین بیدون آم که آ ابو منتظر بیبیه اِشتن شوم خوره، همنه که ای نفر وشیر مونه، در حالی که آ ابو سیری د مست بی. ۲۲ خوردن و آخردنه را کییه نِدارا؟ یا آم که خدا کلیسا بی حرمت کرا و نِدارون ولگ کرا؟ شَماهُون چه یوام؟ آم کاره خونین شَما تعریف بکرم؟ نه یگرم. ۲۳ چون از، آ چیونی که شَمام اوس بیه خداوند د ایگیمه، که عیسای خداوند آ شوی که آوشون دشمنه دس آدا، نانش ایگت ۲۴ و شکرش بکه پارش بکه و بوات: «آم چمن بدن شَما را اسه. آم کاره چمن ویر آیردنه را انجام بدییا». ۲۵ هم نی، شوم پَش، قدارش ایگت و بواتشه: «آم قداره، تازه عهدی چمن خونیم اسه. هر بار که چو د آخرا، چمن ویر آیردنه را همنه یگرا». ۲۶ چون هر وقت آم نانه بُخرا و آم قداره د آخرا، خداونده مرگه اعلام کرا تا زمونی که هنی با.

۲۷ پس هر که نادِرسته راهییه آم نانه بخره و خداونده قداره د د آخره، عیسی خداوند خون خونین تقصیرکار بی. ۲۸ اما هر که پیش از آم که نانه بخره و قداره د د آخره، اِشتن امتحان

بکره. ۲۹ چون هر که بدون آم که خداوند بدنه تشخیص بدیه، بخره و آخره، در اصل اِشتن محکومیتش خرده و آخرده. ۳۰ چمه خونینه که شَما میون پر کسه ضعیف و مریضنده و چند نفر نی مَرَدنده. ۳۱ اما اگم اما چما را حکمون کرده به، چمناشون حکم یگَرَدی. ۳۲ پس وختی که خداوند چما سر حکم کره، ادب بام تا دنیاییم محکوم مِمام.

۳۳ پس ای چمن براعه، وختی خداونده شوم خردنه را جمع آبا، علایده نفرون را منتظر ببا. ۳۴ اگم کسی وشیره، اِشتن کییه د غذا بخره تا شَما جمع آبین به محکومیت ختم می. دربارَه علایده چیه نی وختی بام شَما ور، شَما را وام چه بکرا.

روحانیه عطایا

۱۲ و اما ای براعون دربارَه روحه هَدايا، نیگوم غافل ببا. ۱ زونو وختی که بت پرست بیا، گمراه بیا، دوسیا لال بتون طرف. ۲ پس شَما را وام که هر که خدا روح واسطیم لاوه بکره، هرگز نوا لعنت بر عیسی، و هیچکه جز روح القدوس واسطه بیم نِتونه بوا «عیسی خداوند اسه».

۴ هرچند، هدیه عه جورواجورنده، اما روح هُو اسه؛ ۵ خدمته جورواجورنده، اما خداوند هُو اسه؛ ۶ کاره جورواجورنده، اما هه خدا اسه که همه ی آما، همه چیه د قوت دییه.

۷ خدا روح ظاهر هر کس را ظاهر آبییه، هُنْ منفعتیه را اسه. ۸ به ای نفر، خدا روحه واسطیم، کلام حکمت آدایه بی، و علایده نفری هه روحه واسطیم، کلام معرفت، ۹ و علایده شخصی هه روحه واسطیم، ایمان و علایده نفری هنی هه روحه واسطیم، شفا آداین قدرت آدایه بی. ۱۰ علایده نفری

نیوم، و آ اعضایی یمیم که قشنگ نینده احترام ویشتری یمیم رسیدگی کروم؛^{۲۴} درحالی که چما قشنگه اعضاعه همنه رسیدگی لازم ندارنده. اما خدا بدنش همنه منظم رچ کردشه که آ اعضایی که کمتر حرمت دارنده ویشتر حرمت بدارنده،^{۲۵} تا بدن د چدایی می، بلکم چو اعضا ای اندازه هندیگره فکر د ببیننده.^{۲۶} و اگم ای عضو عذاب بگشه، همه ای اعضا چوام عذاب بکشنده؛ و اگم ای عضو حرمت بداره، همه ذوق بکرنده.

^{۲۷} همنه، شما مسیحه بدن اسیا و هر کومین چو ای عضوی اسیا.^{۲۸} خدا کلیسا د، اول رسولان، دوم پیغمبران، سوم معلّمان؛ آخری معجزه انجام داینه قدرت، آخری شفا داین عطا و کمک کردن و مدیرین و علایده جورواجوره لفظونیم لاهه کردنش تعیین بکه.^{۲۹} همه رسولنده؟ همه پیغمبرنده؟ همه معلّمنده؟ همه معجزه انجام داینه قدرته دارنده؟^{۳۰} همه شفا داینه عطیه دارنده؟ همه علایده جورواجوره لفظونیم لاهه کرنده؟ همه علایده لفظون معنی کرنده؟^{۳۱} اما شما صدق دلیم پله تره عطا یا پش ببا. و همنه از چاکترین راه شماهون نشون دیم.

مَحَبَّتَه راه

۱۳ اگم آدمون و فرشته عون زونیم لاهه بکرم، ولی محبت مدارم، ای سنجی شارین که پر سر و صدا کریه و ای خالیه تبلی شارینم.^۲ اگم نبوت کردنه قدرته بدارم و بتونم دنیا همه سرون و علمه درک بکرم، و اگم همنه ایمانی بدارم که بتونم کوهون جابه جا بکرم، اما محبت مدارم، هیچی نیم.

معجزه انجام داینه قدرت آدایه بی، و آ ایو نبوت، و علایده نفره ارواح تشخیص داین. و هنی علایده نفری علایده لفظون لاهه کردن بخششه بی و آ ایو علایده لفظون معنی کردن آدایه بی.^{۱۱} اما همه آمه، هه ای روح واسطییم که خدا روح اسه قوت گیرنده و آجون اشتن اراده یمیم سهم کره، و به هر که بخشه.

ای بدن، پر اعضا یمیم

^{۱۲} چون هر چند بدن ایو استه، پر عضو داره؛ و همه ی بدنه اعضا با آم که پرنده، اما ای بدن اسنده. مسیحه دریاره نی همنه عه.^{۱۳} چون همه ای اما چه یهود و چه یونانی، چه نوکر و چه آزاد، ای روح د غسل تعمیدمون گیه تا ای بدن ببوم؛ و همه ای اما ای روح د آخردمونه.^{۱۴} چون بدن نه ای عضو د، بلکم پر اعضا د رچ آبیاسه.^{۱۵} اگم لنگ بواعه «چون از دس نییم، بدنه را نییم»، آم دلیل نیی که بدنه ای عضو مبییه.^{۱۶} و اگم گوش بوا، «چون چشم نییم، بدن را نییم»، آم دلیل نیی که بدنه ای عضو مبییه.^{۱۷} اگم تمام بدن چشم به، چه طره تونسیوم بشنوم؟ و اگم تمام بدن گوش به، چه طره تونسیوم بو بکروم؟^{۱۸} اما حقیقت آمه که خدا همنه که اِشتن گویسش به عضووش، ایو ایو بدن د بناشه.^{۱۹} اگم همه اعضا ایو بنده، بدن کا وجودش د؟^{۲۰} اما اعضا پرنده، با آم که بدن ایو اسه.^{۲۱} چشم نتونه دسه بوا، «آته نیازی ندارم!» و سر نی نتونه لنگه بوا «شماهون نیازی ندارم!»^{۲۲} برعکس، آ بدنه اعضا که ضعیفترنده، پر واجب ترنده.^{۲۳} و بدنه اعضا که فکر کروم کمتر حرمت دارنده، پر حرمت

انسانان بنا خونین، تشویق و دلداری خونین
لاوه کره. ^۴ آ کسی که علایده لفظییم لاوه کره
اِشتن بنا کره، اما آ کسی که نبوت کره کلیسا
بنا کره. ^۵ چمن آرزو آمه که شما همه علایده
لفظییم لاوه بکرا، اما ویشتر گوم که نبوت
بگراه. آ کسی که نبوت کره آ کسی د که علایده
لفظییم لاوه کره پيله تر، مگم آم که ای نفر
معنی بگره تا کلیسا بنا بیی.

^۶ هننه ای براهه، اگم از شما ور بام و علایده
لفظییم لاوه بکرم، چه سودی شما را دارم، مگم
آم که مکاشفه یا معرفت یا نبوت یا تعلیمی
شما را بدارم؟ ^۷ حتی بی جونه ساز نی، نی و
چنگ شارین، اگم درست مژنده، چه طره بی
فهمسن که چه آهنگی زنییه؟ ^۸ اگم شیپور چاک
صصی مدیته، که گوه جنگه را آماده بیی؟
^۹ درباره شما نی هننه عه. اگم شما لفظییم لاوه
ای بویا که نیی زونسن، چه طره بی فهمسن
که چه وایا؟ آجو آشی که، هواییم لاوه کرا.
^{۱۰} بی شک آم دنیا د جورواجور لفظ اسنده،
اما هیچ کومین بی معنی نینده. ^{۱۱} پس اگم آز
متونم علایده لفظ معنی بفهمم، چوام غرییم
و آو نی چمنییم غریبه عه. ^{۱۲} درباره شما نی
هننه عه. هننه که شما خدا روحه ظاهریین
را مشتاقیبا، تقلا بکرا که کلیسا بنا کرده را
پیشرفت بگرا.

^{۱۳} پس آ کسی که علایده لفظییم لاوه کره
گون دعا بگره تا اِشتن لاوعون معنی بگره.
^{۱۴} چون اگم از علایده لفظییم دعا بکرم، چمن
روح دعا کره، اما چمن عقل را فایده ای نداره.
^{۱۵} پس چه گون بکرم؟ چمن روحییم دعا گرم
و چمن عقلییم نی دعا کرم؛ چمن روحییم
سرود خونم و چمن عقلییم نی خونم. ^{۱۶} غیر
از آم، اگم ته روحییم شکرگزاری بکری، چه طره
کسی که اِشته لفظ نفهمه اِشته شکرگزاری را

^۳ اگم همه ی چمن مال و مناله صدقه آدیم و
چمن جانِه آتسه آلاوه تسلیم بکرم، اما محبت
مدارم، هیچ فایده ای چمنای نداره.

^۴ محبت صبور و مهربان اِسه؛ محبت
پخیلی نکره؛ محبت افتخار نکره و غرور نداره.
^۵ زشته رفتار نداره و اِشتن منفعته پیش نییه؛
محبت عصبانی نیی و کینه ای نییه؛ ^۶ محبت
بدی د شاد نیی، اما حقیقتییم شادی کره.
^۷ محبت همه چی بیم سلوک کره، محبت همه
چی باور کره، همیشه امید داره و همه چی تاو
آیره.

^۸ محبت هرگز تموم نیی. اما نبوته از بین
شینده و لفظ تموم بینده و علم از بین
شی. ^۹ چون که چما علم کم اِسه و چما
نبوت نی کم اِسه؛ ^{۱۰} اما وختی کامل با، کم
از بین شی. ^{۱۱} وختی که خوردگ بیم، ولگ
خوردگون شارین لاوم کردی و ولگ خوردگون
شارین فکر کردی و ولگ خوردگون شارین
دلیم آیردی. اما وختی پله آبیم، ولگ خوردگ
کردکارم کنار اونا. ^{۱۲} آ چی که هننه وینم، ای
تاره عکسی شارین آینه د اِسه؛ اما زمانی آرسه
که روبه رو وینام. هننه چمن دانایی کم اِسه؛
اما زمونی آرسه که کامل آزونم، هننه که خدا
چمن درباره کامل آزونه.

^{۱۳} پس، آم سه چی باقی موننده: ایمان، امید
و محبت. اما چون دل محبت، پيله ترین اِسه.

نبوت کردن و علایده زونییم لاوه کردن

۱۴ محبت پش ببا و صدق دلیم روحه
عطایا آخازا، مخصوصا آم که نبوت
بگرا. ^۲ چون آ کسی که علایده لفظییم لاوه
کره، نه آدمونییم بلکم خداییم لاوه کره. چون
هیچکس چو لاوه نفهمه؛ آو، روحه واسطه
بیم، سرون وا. ^۳ اما آوی که نبوت کره، علایده

نظم و ترتیب لازم بین دست جمعی عبادت د

۲۶ پس منظور چیه ای براعه؟ وختی که هندیکریم جمع با، هر که سرود ستایشی، تعلیمی، مکاشفه‌ای، لفظی و یا علایده لفظون معنی داره. آمه همه گون کلیسا بنا را استفاده ببینده. ۲۷ اگم کسی علایده لفظییم لاهو بکره، بارزا دِ یا نهایت سه نفر، نوبتی لاهو بکرند و ای نفر نی معنی بگره. ۲۸ اما اگم کسی می که معنی بکره، او گون کلیسا د ساکت وندره و اشتنیم و خداییم لاهو بگره.

۲۹ و پیغمبرون د، بارزا دِ یا سه نفر نبوت بکرند و بقیه چون لاهون سبک سنگین بکرند. ۳۰ و اگم علایده کسی که بر نشته، مکاشفه‌ای بگره، اول ساکت وندره. ۳۱ چون همه تونا نوبتی نبوت بگر تا همه تعلیم بگیرند و همه تشویق ببینده. ۳۲ پیغمبرون روح، پیغمبرون د فرمان بره. ۳۳ چون خدا، هردنبلییه خدا نییه، بلکم صلح و آرامش خدایه، جوری که، همه ی مقدس کلیساهون دِ همنه عه. ۳۴ زَنکِ گون کلیسا د ساکت وندرنده. چون که اُون اجازه ندارنده لاهو بکرند، بلکم گون همنه که شریعت وا، فرمان بپرنده. ۳۵ اگم درباره ای چی سؤال دارنده، کییه د اِشتن یَشو د آپرسند؛ چون زَنکِ را چاک نییه کلیسا د لاهو بگریته.

۳۶ مگم خدا کلام شماکو د سرچشمیش گته یا فقط شماهون آرسیه؟ ۳۷ اگم کسی اِشتن پیغمبر یا روحانیه شخصی زونه، اعلام بگره که آچپانی که شما را نیویسم حکیمه خداونده

آمین بوا؟ چون زونه ته چه وای! ۱۷ چون ته یرست شکر گزاری کری، اما اِشته شکر گزاری علایده نفره بنا باعث نیی. ۱۸ خدا شکر گرم که ویشتر از همه ی شما علایده لفظونیم لاهو گرم؛ ۱۹ اما ترجیح دیم کلیسا د پنج کلمه چمن عقلیم لاهو بکریم که علایده نفر تعلیم بدیم تا ام که هزاران کلمه علایده لفظونیم بوام.

۲۰ ای براعه، فهمسن د خورِدگون شارین مِبا، بلکم بدی کردن د خورِدگون شارین ببا. ولی، فکر کردن د پيله آدمون شارین ببا. ۲۱ شریعت د همنه نویشتونه:

«خداوند همنه وا،

“علایده لفظونیم

و غریبه عون لُونیم

ام قومیم لاهو گرم.

با ام همه اُون چمن لاهو گوش ندینده.” ۲۲ پس علایده لفظ، ای نشونه‌ای اسنده نه ایمانداران را بلکم بی ایمانان را؛ اما نبوت نشونه‌ای اسه ایمانداران را و نه بی ایمانان را. ۲۳ پس، اگم همه ی کلیسا اعضا هندیکریم جمع آیینده و همه علایده لفظونیم لاهو بکرند، و هه موقع کسونی که هیچیه د خور ندارنده باینده مجلسه دله، مگم نوانده که شما دلوعییا؟ ۲۴ اما اگم همه نبوت بکرا و اوی که هیچ چیه د خور نداره یا کسی که ایمان نداره با مجلسه دله، باعث با آ آدم قانع بیی که گناهکار اِسته، و همه آجو داوری کرده، ۲۵ چو دله سیر برملا بینده. اُخری اِشتن دیم زمین سر اونیه، خدا پرستش گره و اعلام کره که: «واقعا خدا شما میون اسه.»

مردعون زنده آیین

۱۲ اما اگم اعلام بی که مسیح مردعون دل زنده آبه، چه طره عه که بعضی از شما واینده مردعون زنده نیبینه؟ ۱۳ اگم مرده عه زنده نیبینه، پس مسیح نی مردعون دل زنده نیبسه. ۱۴ و اگم مسیح زنده نیبسه، هم چما پیغام هیچه، هم شما ایمان هیچه. ۱۵ اما خدا را دروغ و اینگ شاهد حساب بام، چون درباره او شهادت آدایمونه که مسیحش مردعون دل زنده کرده، اگم مرده عه زنده نیبینه، پس خدا نی اوش زنده نگرده. ۱۶ چون اگم مرده عه زنده نیبینه، پس مسیح نی زنده نیبسه. ۱۷ و اگم مسیح زنده نیبسه، شما ایمان هیچه و شما همنه شما گناهونیم ایسیا. ۱۸ پس کسونی که به مسیح ایمانشون د و مردنده، نابود ببینه. ۱۹ اگم فقط آم زندگی د مسیح امید داروم، اما همه علایده آدمون د قره بخت تروم. ۲۰ اما مسیح حقیقتا مردعون دل زنده آبه، و او اولین کسی إسه که مردعون دل زنده آبه. ۲۱ چون همنه که مرگ ای آدمه واسطیم بومه، مردعون زنده آیین نی ای آدمه واسطیم بومه. ۲۲ چون همنه که آدم د همه مرنده، مسیح د نی همه زنده آینه. ۲۳ اما هر که اشته نوبه: اول مسیح که نوبر به؛ و آخری، کسونی که چو اومینه موقع، آجو تعلق دارنده. ۲۴ آخری آخر زمون سر آرسه، وختی که پاتشاهی اوس بره خدای په دس، یعنی وختی که هر حکومت و اقتدار و قدرتی نابود کره. ۲۵ چون او گون تا وختی که اشته همهی دشمنون اشته پا بن بنیه، حکومت بکره. ۲۶ آخرین دشمنی که گون از بین بیشتی، مرگه. ۲۷ چون خدا «همه پیش چو لنگون بن نایشه.» اما وختی واینده «همه چی» چو

طرفه إسه. ۳۸ اگم کسی آجم قبول مکره، اشته نی قبول نیی.

۳۹ پس ای چمن براعه، تمان شوقیم چمه پیش با که نبوت بکرا و علایده لفظیم لاهه کردنه پیش مگیرا. ۴۰ اما همه چی گون درست و نظمیم انجام بیی.

مسیح زنده آیین

۱۵ ای براعه، همنه گوم انجیلی که شما را اعلامم بکه شما ویر بایرم، هه انجیلی که اورون قبول بکه و آجو پایندیا ۲ و چو واسطیم نجات پیدا کرا، به شرطی که آکلامی که شما اعلامم بکه، انجام بدیا. اگم نه، بیخودی ایمانرون آیره. ۳ چون از مهمترین چیزی که آمین آرسس، شما را اعلامم بکه: آم که همنه که مقدس کتاب اومیاسه مسیح چما گناهون خونین بمه، ۴ و آم که بخشاردشون و همنه که طبق مقدس نیوشته هون سومین روز مردعون دل زنده آبه، ۵ و آم که اشتهش کیفا را و آخری آ دوزنده شاگرد را ظاهر بکه. ۶ چو پیش، ای را بونصد نفر از براران را نی ظاهر آبه که خیلی از اون حلا زندینه، هر چند بعضیه مردنده. ۷ آخری یعقوبه را ظاهر آبه و چو پیش همهی رسولان را، ۸ و همن پیش چمنای ظاهر آبه، ای خوردگی شارین که نارس دنیا اومییه بیی. ۹ چون از رسولون میون کمترینم، و حتی لایق نیم آمین رسول بوانده، چون که خدا کلیسام اذیت و آزار کرده. ۱۰ اما خدا لطفیم آچی که ایسم، ایسم و چو لطف چمنای فایده نیه. برعکس، از همن د سخت تر کارم بکه، اما نه اشته، بلکه خدا لطف خونین که چمنیم إسه. ۱۱ پس، چه از و چه آوه، هم پیغامه اعلام کروم و هم آ پیغامیه که آجو ایمانرون آیره.

دارند. ^{۴۰} هم نی، آسمونیه بدنه و زمینیه بدنه. اما آسمانیه بدنون شکوه و جلال ای مدله و زمینیه بدن شکوه و جلال علایده مدل. ^{۴۱} آوتاوا اشتن شکوه و جلاله داریه، ماعنی اشتن شکوه و جلال داریه، و ستاره نی اشتن شکوه و جلال؛ چون هر ستاره شکوه و جلال نی آ ای ستاره شکوه و جلالیم فرق داره.

^{۴۲} مردعون زنده آیینیه درباریه نی همنه عه. آ چپی که کاشته بی، پوسه؛ آ چی که بلَند بی، نیپوسه. ^{۴۳} ذَلَتَ دَ کاشته بی، عزتَ دَ آبر آ. ^{۴۴} جسمانیه بدن کاشته بی، روحانیه بدن آبر آ. اگم جسمانیه بدن اِسه، روحانیه بدن نی اِسه. ^{۴۵} همنه که تورات دَ نویشتشونه: «اولین انسان، یی آدم، زنده موجود آبه»؛ آخرین آدم، زندگی بخشه روح آبه. ^{۴۶} اما اَوّل روحانی نومه بلکم نفسانی اَوّل بومه، و چوپش روحانی. ^{۴۷} اَوّلین انسان زمینَ دَ و خاکَ دَ به؛ دومین انسان آسمانَ دَ اِسه. ^{۴۸} همنه که انسان خاکی اِسه، کسونی که خاکَ دَ اِسنده، همنده و همنه که انسان آسمانی اِسه، کسونی که آسمونونِ را اِسنده نی همنده. ^{۴۹} و همنه که خاکی انسانه شکله، اِشتنمون گته، آسمانی انسانه شکله نی اِشتن گیرم.

^{۵۰} ای براعه، چمن منظور آمه که جسم و خون یتونه خدا پاتشاهی وارث بیبی و آ چپی که پوسه، نتونه آ چی ای وارث بیبی که نیپوسیه. ^{۵۱} گوش بیدیا! ای سِرّی شَما را وام: اما همه نمرور، بلکم همه عوض بام. ^{۵۲} ای لحظه دَ و ای چشم به هم زیبنیم، وختی که آخرین شیپور زنده، آم اتفاق دِگنه. چون شیپور صص آ و مرده عه بی آم که از بین بیشینده زنده بینده و اما عوض بام. ^{۵۳} چون آم بدنی که پوسه گون آ بدنی که نیپوسه دکره

لنگون ین نایشه، روشنه که آم، خدا که اِشتن همه پیش مسیح لنگون ین نایشه، در بر نیگیره. ^{۲۸} وختی که همه چی چو مطیع بی، پس ز اِشتن نی مطیع آ کسی بی که همه پیش چو لنگون ین اوناشه، تا همه چی خدا را بیی.

^{۲۹} اگم مرده عه زنده نیبینده، مردمه منظور چیه که چون نیتیم غسل تعمید گیرنده؟ اگم مرده عه زنده نیبینده، چرا چون نیتیم غسل تعمید گیرنده؟ ^{۳۰} و یا چرا آما هر ساعت چما جان خطر درانوم؟ ^{۳۱} براعون به افتخاری که چما خداوند مسیح عیسی دَ دربارّه شَما دارم قَسَم که از هر روز مریم. ^{۳۲} اگم از افسسه شهره آدمونیم که وحشیه حیوانون آشینده، جنگم بکه، چما چه سودیش دَ؟ اگم مرده عه زنده نیبینده،

«بابا بخروم و آخروم

چون صَبا مَروم.»

^{۳۳} وازی مَحَرّا: «بده رفق، چاکه اخلاقه خراو کره.» ^{۳۴} عقلی سر بایا و دِ گناه مکرّا؛ چون بعضیه اِسنده که خدا اونزوندنه. اچم وام تا شمرنده ببا.

بدنی که زنده آبی

^{۳۵} اما شاید ای نفر آپرسه: «مرده عه چه طره زنده آیینده و چه طره بدنیم آینده؟» ^{۳۶} ای احمق آدم! آ چپی کاری، تا ممریه زنده نیبیه. ^{۳۷} وختی که ای چی کاری، بدنی که گون بیبی نییه، بلکم فقط ای دانه اِسه، چه گندم چه علایده دانه عه. ^{۳۸} اما خدا به آ دانه و آ بدنی که اِشتن انتخاب کردشه، آده و هر دانه ایش اِشتن مخصوصه بدنه آدی. ^{۳۹} چون که همه ی بدنیه ای جور نینده. آدمه ای مدل بدنه دارنده، حیوانه علایده مدل؛ و پرند عه علایده مدل؛ ماهیه نی علایده مدلی بدن

شما ور بمونم؛ بلکه امید دارم، اگم خداوند یگوه، ایکه شما ور وندرم. ^۸ اما تا پنتیکاسته عید افسسه شهر د وندرم ^۹ چون پبله بری خدمته را چمن دیم د آبییه، و دشمنه نی پریده. ^{۱۰} اگم تیموتائوس بومه، چو آم جوری رفتار یگرا که شما ور هیچ نگرانی ای مداریه. چون او نی چمن شارین خداونده کاره انجام دییه؛ ^{۱۱} پس کسی آجو ولگ حساب مکره. آجو سلامتیم سفره را راهی یگرا تا اگرده چمن ور؛ چون از و براعه چو را منتظریوم.

آخرین نصیحت‌ه عون

^{۱۲} و اما درباره چما برا آپولس، اوم پر اصرار بکه که آ ای برارونیم با شما ور، اما هیچ جوره راضی نه که هننه با. اما هر موقع فرصت بداریه، آ.

^{۱۳} شما حواس جمع بیی؛ ایمان د وفادار وندرا؛ مرد ببا و قوی ببا. ^{۱۴} شما همه‌ی کاره محبت یم ببینده.

^{۱۵} زونا که استفاناسه خونواده اولین کسانی بنده که ایالت آخائی د ایمان شون آورده، و اون ایشنشون مقدسون خدمت را وقف کرده. ای براعون، از شما کود خواهش کرم ^{۱۶} همنه کسون مطیع ببا و هم نی مطیع هر کسی که آم خدمت د همکاری کره و زحمت گشه. ^{۱۷} استفاناس، فورتوناتوس و آخائیکوس اومیین د شادم، چون شما خالیه یقاشون مشت کرده. ^{۱۸} اون چمن روح و شما روحشون نی تازه کرده. همنه کسون حرمت بنیا.

سلامون

^{۱۹} آسیا کلیساعه شما را سلام دارنده. آکیلا و پریسکیلا و هم نی کلیسایی که چون گییه د

و آم فانیه بدن گون آبدنی که فانی نییه دکره. ^۵ وختی آم بدنی که از بین شی، آبدنی که از بین نیشی دگره و بدنی که فانیه، آبدنی که نیوسه دکره، ایشعیای پیغمبر آ نویسته اتفاق دگنه که وا: «پیروزی مرگش ایترده.»

^{۵۵} «مرگ، اشته پیروزی کاره؟
مرگ، اشته نیش کاره؟»

^{۵۶} مرگه نیش گناه اسه و گناه قدرت، شریعت. ^{۵۷} اما خدا را شکر که چما خداوند عیسی مسیح واسطییم آجا پیروزی بخشه. ^{۵۸} پس، چمن عزیزه براعه، پابرجا و برقرار ببا، همیشه تمام وجودییم خداونده کاره مشغول ببا، چون زونو شما زحمت خداوند د بیهوده نییه.

هدایه هون مقدسون را

۱۶ و اما درباره هدیه هون جمع کردنه، مقدسون را: شما نی آچیونی که غلاطیه کلیساهونم بوات، انجام بدیا. ^۲ هر هفته اولین روز، هر کومین از شما، گون اشن درامد د، کمکی پنییه کنار، پس انداز بکره، تا وختی که از آم شما ور، د نیاز مبی هدیه جمع آگرا. ^۳ وختی بومیم، به کسانی که شما تایید رون کرده معرفی نامه هونی آدییم و آجون شما هدیه هونیم خرسیم شهر اورشلیم. ^۴ اگم صلاح آم بیی که از اشن نی بیشیم، اون چمنیم آینده.

نقشه هون سفره را

^۵ وختی مقدونیه د آوردم آم شما ور، چون مقدونیه د آورم. ^۶ شاید ای مدتی شما ور وندرم، و یا حتی تمومه زمسون شما ور وندرم، تا شما هر یقا شیم چمن سفره را آمین کمک بکر. ^۷ چون نگوم هننه شما وینته را بام و گمگی

۲۲ لعنت به اوی که خداوندیم خُش نییه.
 چما خداوند، بوره!
 ۲۳ عیسی خداونده لطف شماییم بیی.
 ۲۴ چمن محبت عیسی مسیح دَ شَما هْمُن
 همراه بیی. آمین.

برپا بینده، خداوند دَ شَما را گرم گرمین سلام
 دارنده. ۲۰ همه‌ی برارونی که بیارنده شَما را
 سلام دارنده. مقدسه ماچیم هندیکره را سلام
 بکرا.
 ۲۱ از، پوُلُس، چمن دس خطیم شَما را آم
 سلامه نویسیم.

